



A Review of the Article “Zaqqum” in the Encyclopedia of the Quran of Leiden *

Keyvan Ehsani ¹ and Fereidoon Rezaei ² and Fatemeh Ghanbari ³

Abstract



The article on “Zaqqum” in the Leiden Encyclopedia, written by Salwa Al-A’wa, examines the Zaqqum tree in the Quran, introducing the accursed tree in the Quran as the same tree known as Zaqqum, following the views of some Sunni commentators while disregarding other narrations of both sects. The one-sided perspective and lack of comprehensiveness by the author led to an incomplete analysis of the Zaqqum tree and an improper explanation of its relationship with the accursed tree. Therefore, a comprehensive examination of the Zaqqum tree and criticism of the author’s perspective seems necessary. Hence, this paper investigates the term “Zaqqum” in the Quranic semantic network and delves into its association or lack thereof with the accursed tree. Despite the aforementioned shortcomings, the article has strengths such as examining all instances of the usage of “Zaqqum” in the Quran, providing an eloquent depiction of pure and heavenly trees while contrasting them with the Zaqqum tree, utilizing lexical sources, criticizing their opinions, and exploring the conflict between apparent and rational views. The weaknesses of the article include exclusive reliance on Sunni sources, overlooking Shiite sources, limited resources, disregard for interpretive narrations concerning the accursed tree, and presenting the accursed tree as the primary instance of the Zaqqum tree. The intentional flaw of the article lies in conflating the relationship between the accursed tree and the Zaqqum tree and failing to refer to other sources, especially disregarding narrations indicating that the accursed tree is a particular symbol for a specific group (the Umayyads). This research was conducted using a descriptive-analytical method and library resources.

Keywords: Quran, Orientalists, Leiden Encyclopedia, Zaqqum Tree, Salwa Al-Awa, Accursed Tree.

*. **Date of receiving:** 04/03/2023; **Date of correction:** 07/08/2023; **Date of approval:** 27/08/2023.

1. Faculty Member of the Quran and Hadith Sciences Department, Faculty of Humanities, University of Arak, Arak, Iran: k-ehsani@araku.ac.ir.

2. PhD Candidate of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, University of Arak, Arak, Iran (Corresponding Author): fereidoon.rezaei@gmail.com.

3. Fatemeh Ghanbari: Graduate in Master of Interpretation of the Holy Quran, University of Quranic Sciences and Teachings, Qom, Iran: f.ghanbari1982@gmail.com.



بررسی مقاله «زقوم» در دایره المعارف قرآن لیدن*

کیوان احسانی^۱ و فریدون رضائی^۲ و فاطمه قنبری^۳



چکیده

مقاله «زقوم» در دایره المعارف لیدن توسط سلوی العوا نگاشته شده است. نویسندگان در این مقاله ضمن بررسی درخت زقوم در قرآن، با تبعیت از برخی از مفسران اهل سنت و بی توجهی به سایر روایات فریقین، شجره ملعونه در قرآن را همان شجره زقوم معرفی می کنند. نگاه یک سوئی و نداشتن جامع نگری نویسنده، منتج به ارائه تحلیلی ناقص از شجره زقوم و نداشتن تبیین صحیح ارتباط آن با شجره ملعونه شده است؛ از این رو بررسی جامع شجره زقوم و نقد دیدگاه نویسنده مقاله ضروری به نظر می رسد. نوشتار حاضر ضمن واکاوی واژه شجره زقوم در شبکه معنایی قرآن، ارتباط یا نبود ارتباط آن با شجره ملعونه را کنکاش کرده است. مقاله با وجود داشتن نقایص گفته شده، دارای نقاط قوتی مانند بررسی تمامی موارد کاربرد زقوم در قرآن، ترسیم زیبای درختان پاک و بهستی ضمن مقابله سازی با درخت زقوم، استفاده از منابع لغوی و نقد نظرات آنان و بررسی تقابل دیدگاه ظاهرگرایان و عقل گرایان است. در خصوص نقاط ضعف مقاله این موارد مطرح است: استفاده مطلق از منابع اهل سنت و بی توجهی به منابع شیعه، منابع محدود مقاله، بی توجهی به روایات تفسیری درباره شجره ملعونه، شجره ملعونه را به عنوان مصداق اصلی شجره زقوم معرفی می کنند. نقص عمده مقاله خلط ارتباط شجره ملعونه و شجره زقوم و مراجعه نکردن به سایر منابع و خصوصاً بی توجهی به روایاتی است که نشان می دهد شجره ملعونه نمادی خاص برای گروهی خاص (بنی امیه) است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، مستشرقان، دایره المعارف لیدن، شجره زقوم، سلوی العوا، شجره ملعونه.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵.

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران: k-ehsani@araku.ac.ir.

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول): fereiduon.rezaei@gmail.com.

۳. دانش آموزخته کارشناسی ارشد تفسیر قرآن مجید، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران: f.ghanbari1982@gmail.com.



۱. بیان مسأله

متون اسلامی یکی از موضوعات مهم و مورد علاقه وافر شرق‌شناسان است. ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف و تألیف دایره‌المعارف‌ها، نمونه‌هایی از تلاش‌های آنان در این راستاست. دایره‌المعارف قرآن لیدن با همکاری تعداد زیادی از محققان مسیحی، یهودی و برخی از مسلمانان، به سروراستاری جین دمن مک اولیف، استاد تاریخ و ادبیات عرب دانشگاه جرج واشنگتن سامان یافته است. این پروژه در پنج جلد و با حدود هزار مدخل، شامل موضوعات متعددی می‌شود (مؤدب و موسوی مقدم، نقد دایره‌المعارف قرآن لیدن بر اساس آراء و مبانی شیعه، ۱۳۸۷: ۱۰۷). هدف از تألیف این اثر از دید خانم مک اولیف «شکل‌گیری اثری مرجع به صورت بهترین توفیق قرن در باب تحقیقات قرآنی است؛ به گونه‌ای که گنجینه‌ای از پژوهش‌های متنوع را در اختیار محققان قرار دهد.» (رضایی اصفهانی، بررسی دایره‌المعارف قرآن لیدن: ۴۹/۱۳۸۵).

مقاله «زقوم» در دایره‌المعارف لیدن توسط سلوی العوا (Salwa Elawa)، مدرس ارشد مطالعات عربی و اسلامی در دانشگاه سوانزی (Swansea University) ولز نگاشته شده است. او قبلاً مدرس مطالعات قرآنی در دپارتمان الهیات و دین دانشگاه بیرمنگام (۲۰۰۱-۲۰۱۰) بود و در آنجا به تدریس مطالعات قرآن و حدیث پرداخت. العوا همچنین از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ در دانشگاه عین الشمس قاهره زبان‌شناسی و زبان‌شناسی عربی تدریس کرد. علایق پژوهشی و تدریس او شامل: زبان‌شناسی عربی، تحلیل زبان‌شناختی نوین از متون عربی و اسلامی، به‌ویژه قرآن و نیز پژوهش در جنبش‌های اسلامی معاصر است (www.swansea.ac.uk).

نویسنده در این مقاله ضمن بررسی درخت زقوم در قرآن مدعی است که غالب مفسران و مترجمان قرآن، شجره ملعونه در قرآن را همان شجره زقوم می‌دانند. این موضوع در حالی است که منابع روایی فریقین مصادیق مهم دیگری را برای شجره ملعونه معرفی کرده‌اند که با واقعیات تاریخی سازگاری بیشتری دارد. برای مثال در الدر المنثور سیوطی، مفاتیح الغیب فخر رازی، روح المعانی آلوسی به یکی از مصادیق مهم شجره ملعونه، یعنی بنی‌امیه نیز اشاره شده است. نگاه یک‌سویه و نداشتن جامع‌نگری نویسنده، منتج به ارائه تحلیلی ناقص از شجره زقوم و نبود تبیین ارتباط آن با شجره ملعونه شده است؛ از این رو ضروری است ضمن ترجمه مقاله مذکور، آرا نویسنده در بوته نقد قرار داده شود.

۲. پیشینه و ضرورت پژوهش

اقبال خاورشناسان به تحقیق و تتبع در متون اسلامی، با انگیزه‌های مختلف، سابقه‌ای بس کهن دارد. ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف و تألیف دایرةالمعارف‌ها از همین رو است. هرچند در گذشته منظور از خاورشناسان افرادی بود که خارج از حوزه جغرافیایی اسلام به مطالعه در منابع اسلامی می‌پرداختند؛ اما هم‌اکنون عده‌ی زیادی از مسلمانان همراه با دانشمندان سایر ملت‌ها در تألیف دایرةالمعارف‌ها همکاری دارند. از نتایج این همکاری‌ها می‌توان به تألیف دایرةالمعارف قرآن لیدن به سرویراستاری خانم جان مک اولیف اشاره کرد که در تألیف مقالات آن برخی از دانشمندان مسلمان همکاری داشته‌اند. پیشینه موضوع نوشتار حاضر را می‌توان به دو بخش عام و خاص تقسیم کرد:

یکم. عام

در این بخش می‌توان به تمامی تحقیقات مستشرقان در خصوص معارف قرآن اشاره کرد از جمله دایرةالمعارف‌ها، کتاب‌ها و مقالات.

دوم. خاص

در این بخش به صورت خاص موضوع نوشتار حاضر بررسی شده است، از جمله:

۱. «مصدق‌یابی واژه زقوم در قرآن با تأکید بر منابع تفسیری و گیاه‌شناسی»، مریم رفیعی، امیر احمدنژاد، محسن صمدانیان، دوفصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
 ۲. «بازنمایی درختان مقدس و اسطوره‌ای اسلامی در نگارگری (زقوم، طوبی، سدره المنتهی)»، علیرضا طاهری، مهرداد کشتی‌آرا، مجله نگارینه هنر اسلامی، پاییز و زمستان ۱۴۰۰.
 ۳. «کیفیت‌شناسی واژه زقوم در قرآن با تکیه بر مفسرین فریقین»، محمدمهدی کریمی‌نیا، محمدرضا ایزدی، مجتبی انصاری‌مقدم، دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال چهارم، اردیبهشت ۱۴۰۰.
- در مقاله اول نویسندگان به دنبال یافتن مصداق زقوم در عالم طبیعت بوده و آن را با گیاهی به نام «خرمای صحرائی» تطبیق داده‌اند. در مقاله دوم نویسندگان به سیر توجه به درختان مقدس در حوزه نگارگری اشاره کرده است. در مقاله سوم تنها به بررسی مصداق زقوم از دیدگاه مفسران پرداخته شده است. نقص عمده تحقیقات مذکور نگاه تک‌بعدی و بی‌توجهی به شبکه معنایی قرآن در خصوص شجره زقوم است.



وجه افتراق نوشتار حاضر با مقالات فوق هم در عنوان و هم در محتوا است؛ زیرا همانطور که در بخش بیان مسئله گذشت، سلوی العوا مدعی این است که غالب مفسران و مترجمان قرآن شجره ملعونه را همان شجره زقوم می دانند؟ این ادعا اثبات پذیر نیست؛ زیرا در منابع اهل سنت و حتی شیعیان مصادیق دیگری برای شجره ملعونه ذکر شده است که ادعای العوا را مخدوش می سازد. از سوی دیگر دایره المعارف قرآن لیدن به عنوان یکی از معتبرترین منابع قرآن پژوهی در غرب محل رجوع محققان مختلف است. العوا در مدخل مدنظر صرفاً با تکیه بر برخی منابع اهل سنت به تبیین ارتباط شجره ملعونه و شجره زقوم پرداخته است و اعتنایی به سایر منابع اهل سنت و شیعه نداشته است. بنابراین ضرورت دارد مدخل زقوم با نگاهی نو و جامع مبتنی بر منابع فریقین بازبینی شود.

۳. ترجمه مقاله

درخت زقوم یا درخت لعنت شده، جمعاً چهار بار در قرآن ذکر شده است. سه (بار) اشاره صریح (صافات/۶۲؛ دخان/۴۳؛ واقعه/۵۲) و یک (بار) اشاره غیر صریح (اسراء/۶۰). برخلاف درختان زیبا با میوه های انبوه در بهشت (حاقه/۲۳)، درخت طیبه از کلمه طیبه (رعد/۲۴) و درخت بهشتی جاودانگی که آدم و حوا از آن منع شدند (طه/۱۲۰). درخت زقوم به عنوان کریه ترین و ترسناک ترین درخت توصیف شده در قرآن برجسته شده است. این درخت در پایین ترین بخش آتش دوزخ رشد می کند، میوه های آن شبیه سرهای شیاطین (صافات/ ۶۴ - ۶۵)، تلخ مزه، سوزاننده، با بوی گندیده و ظاهری سیاه است. هرکس از آن بخورد نمی تواند طعم تنفأور آن را تحمل کند، لذا ناچار است آن را ببلعد (قورت دهد) (تفسیر رازی، ۲۹: ۱۷۴).

ارجاع ضمنی احتمالی به زقوم بسیار مجمل است و از این سخن گفته شده است که «الشجره الملعونه فی القرآن»: درخت لعنت شده در قرآن (اسراء/۶۰)، امتحانی برای بشر است. اکثریت مفسران و مترجمان، شجره ملعونه را درخت زقوم می دانند (تفسیر طبری، ۱۵: ۱۱۵-۱۱۳).

در توضیح توصیف این درخت به عنوان امتحان (فتنه؛ اسراء/۶۰؛ صافات/۶۳)، مفسران غالباً داستان آن را، وقتی که درخت زقوم برای نخستین بار در قرآن ذکر شده، نقل می کنند که کافران به اینکه درخت در عمق جهنم رشد کند، شک داشتند و می گفتند: یک روز محمد ﷺ ادعا می کند که آتش جهنم سنگ ها را می سوزاند و روز دیگر می گوید درختان را رشد می دهد. از این رو بر اساس نظر مفسران، (این) در حقیقت امتحانی است برای بشر. از یک طرف مؤمنان خواهند پذیرفت که خداوند قادر به خلق درختی است که در شعله های سوزان آتش دوزخ نمی سوزد و اینکه یکی از مجازات های کافران خواهد بود. از طرف دیگر، کافران به آن معتقد نخواهند بود و (این موضوع را) رد کرده و مسخره خواهند کرد. همچنان که در واقعیت چنین می کنند (زمخشری، ۲: ۶۷۵).

نام این درخت از «بلع غذایی کشنده یا نوشیدن مفرط (آن)» اقتباس شده است. واژه‌شناسان همانند مفسران درباره ریشه (کلمه) زقوم اطمینان ندارند. علاوه بر معانی پیشنهادی ذکر شده که همه آنها بر پایه تفکر درباره چستی معنای احتمالی ریشه زقم است، آنها داستانی را نقل می‌کنند که عنوان می‌کند که زقوم نام درختی است که در بیابان رشد می‌کند یا واژه‌ای آفریقایی است برای «عجوه» که پوره خرما با کره است (لسان العرب و القاموس فیروزآبادی). به هر حال، جالب توجه است که ذکر کنیم که داستان‌های مشابه تقریباً به‌طور یکسان و همیشه با مثال‌هایی از کاربرد متن صرفاً قرآنی تکرار شده‌اند. دقیق‌ترین شرح (توضیح) متعلق است به راغب اصفهانی (اوایل قرن پنجم) که همه داستان‌ها را نادیده می‌گیرد و می‌گوید این استعمال قرآن نخستین استعمال آن است و «از آن پس این ریشه برای بلع خوراک ناگوار وام گرفته شده است. (مفردات، ۳۸۰).

سه ارجاع صریح به زقوم در گفتار قرآنی خاصی مربوط به ثواب / عقاب واقع شده‌اند. در هر سه ارجاع، این درخت یکی از امور وحشت‌انگیز دوزخ توصیف شده است که کافران مجبور به مواجهه با آن هستند. در کل، تصویری بسیار پرمایه فراهم می‌آید که به‌طور جزئی و مادی این درخت زشت و اثر آن را بر کسانی که مجبورند از آن بخورند؛ یعنی گناهکاران و کافران، توصیف می‌کند (دخان/۴۴؛ واقعه/۵۱). «چون مس گداخته (المهل) در شکم‌ها می‌گدازد؛ همانند جوشش آب جوشان» (دخان/۴۵-۴۶). جریان اصلی مفسران اهل سنت دلالت ظاهری این تصویر را اخذ می‌کند؛ اما عقل‌گرایان آن را عینی‌سازی استعاری عذابی روحی و روانی می‌دانند که در انتظار کافران است (مک‌اولیف، دایرة‌المعارف قرآن، ۲۰۰۱م: ۵۷۱/۵-۵۷۲).

یکم. اشاره صریح مدنظر نویسنده آیات ذیل است

الف. ﴿إِنَّ شَجَرَةَ الرَّقُومِ طَعَامٌ الْأَتِيمِ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ كَغَلَى الْحَمِيمِ﴾ (دخان/۴۶-۴۳)؛ «مسلاً درخت زقوم غذای گنهکاران است، همانند فلز گداخته در شکم‌ها می‌جوشد. جوششی همچون آب سوزان!»

ب. ﴿لَا كَلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ رَّقُومٍ﴾ (واقعه/۵۲)؛ «قطعاً از درخت زقوم می‌خورید.»

ج. ﴿أَذَلِكْ خَيْرٌ تَزَلًا أَمْ شَجَرَةُ الرَّقُومِ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِثْنَةً لِّلظَّالِمِينَ طَلَعَهَا كَأَنَّهُ زُؤَسُ الشَّيَاطِينِ فَإِنَّهُمْ لَا كَلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ﴾ (صافات/۶۵-۶۲)؛ «آیا این (نعمت‌های جاویدان بهشتی) بهتر است یا درخت (نفرت‌انگیز) زقوم؟ ما آن را مایه درد و رنج ظالمان قرار دادیم! آن درختی است که از قعر جهنم می‌روید! شکوفه آن مانند سرهای شیاطین است! آنها [= مجرمان] از آن می‌خورند و شکم‌ها را از آن پر می‌کنند!»



دوم. اشاره ضمنی مدنظر نویسنده آیه ذیل است

﴿وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا﴾ (اسراء/۶۰)؛ «(به یاد آور) زمانی را که به تو گفتیم: «پروردگارت احاطه کامل به مردم دارد؛ (و از وضعشان کاملاً آگاه است.) و ما آن رؤیایی را که به تو نشان دادیم، فقط برای آزمایش مردم بود؛ همچنین شجره ملعونه [=درخت نفرین شده] را که در قرآن ذکر کرده ایم. ما آنها را بیم داده (و انداز) می کنیم؛ اما جز طغیان عظیم، چیزی بر آنها نمی افزاید!»

۴. بررسی و نقد مقاله

قبل از ورود به نقد و بررسی مقاله ضروری است نوع نگاه نویسنده مقاله به موضوع مشخص شود تا از رهاورد این مسئله نقشه راه نوشتار حاضر تبیین شود. دیدگاه سلوی العوا به مسئله شجره زقوم در قرآن را می توان به چند بخش تقسیم کرد:

اول. در بخش اول به تبیین شبکه معنایی زقوم در قرآن پرداخته است.

دوم. در بخش دوم ضمن تأکید بر مجمل بودن شجره زقوم می گوید: «اکثر مفسران و در پی آن مترجمان مسلم دانسته اند که «الشجرة الملعونه» درخت زقوم است» (مک اولیف، دایره المعارف قرآن، ۲۰۰۱: ۵/۵۷۱-۵۷۲).

سوم. در بخش سوم به ذکر مبحث تاریخی آیه و داستانی می پردازد که نشان می دهد کافران به اینکه درختی در عمق جهنم سوزان رشد کند شک داشته و آن را به سخره می گرفتند.

چهارم. در بخش پایانی می گوید: مفسران مصداق طبیعی زقوم را عجوه (پوره خرما با کره) می دانند؛ اما دقیق ترین شرح (توضیح) را از راغب اصفهانی می داند که همه موارد گفته شده را نادیده می گیرد و می گوید این استعمال قرآن، نخستین استعمال آن است و از آن پس این ریشه برای بلع خوراک ناگوار وام گرفته شده است.

لازم به ذکر است در بخش های اول، سوم و چهارم مفسران غالباً این مطالب را نقل کرده اند؛ اما در بخش دوم که مدعی است اکثر مفسران و مترجمان شجره ملعونه را درخت زقوم می دانند، اثبات شدنی نیست؛ زیرا او یکی از مصادیق ذکر شده در خصوص شجره ملعونه را انتخاب کرده و از سایر مصادیق مهمی که با گزاره های تاریخی همخوانی دارد، چشم پوشی کرده است. بنابراین نوشتار حاضر ضمن توجه به نقاط قوت مقاله، به دنبال تبیین این مسئله است که آیا شجره ملعونه در قرآن همان شجره زقوم است و آیا مصداق دیگری برای آن ذکر نشده است؟

یکم. نقاط قوت

الف. بررسی تمامی موارد کاربرد زقوم در قرآن

در این مقاله تمامی موارد کاربرد زقوم در قرآن ذکر شده است، درخت زقوم یا درخت ملعون چهار بار در قرآن اشاره شده است. سه مورد صریح: ﴿إِنَّ شَجَرَتَ الرَّقُومِ طَعَامٌ الْأَثِيمِ...﴾ (دخان/۴۶-۴۳) «مسئلاً درخت زقوم غذای گنهکاران است، همانند فلز گداخته در شکم‌ها می‌جوشد. جوششی همچون آب سوزان!»؛ ﴿لَا كَلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زَقُومٍ﴾ (واقعه/۵۲)؛ «قطعاً از درخت زقوم می‌خورید»؛ ﴿أَذَلِكْ خَيْرٌ تَزُولًا أَمْ شَجَرَةُ الرَّقُومِ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ...﴾ (صافات/۶۵-۶۲)؛ «آیا این (نعمت‌های جاویدان بهشتی) بهتر است یا درخت (نفرت‌انگیز) زقوم؟! ما آن را مایه درد و رنج ظالمان قرار دادیم! آن درختی است که از قعر جهنم می‌روید! شکوفه آن مانند سرهای شیاطین است! آنها [= مجرمان] از آن می‌خورند و شکم‌ها را از آن پر می‌کنند!»

یک مورد ضمنی: ﴿وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ...﴾ (اسراء/۶۰) «(به یاد آور) زمانی را که به تو گفتیم: «پروردگارت احاطه کامل به مردم دارد؛ (و از وضعشان کاملاً آگاه است). و ما آن رؤیایی را که به تو نشان دادیم، فقط برای آزمایش مردم بود؛ همچنین شجره ملعونه [= درخت نفرین‌شده] را که در قرآن ذکر کرده‌ایم. ما آنها را بیم داده (و انذار) می‌کنیم؛ اما جز طغیان عظیم، چیزی بر آنها نمی‌افزاید!» همچنین به تفاوت‌های این درخت با سایر درختان اشاره شده در قرآن پرداخته شده است.

ب. ترسیم زیبای درختان پاک و بهشتی ضمن مقابله‌سازی با درخت زقوم

در قرآن کریم درختان از نعمت‌های پرفایده الهی بوده و در آیات متعددی به آن اشاره شده است و انسان را به تفکر در این مطلب دعوت کرده است. علت توجه قرآن به این مسئله به ارتباط مستقیم زندگی انسان‌ها با درختان بر می‌گردد؛ یعنی انسان به‌صورت روشن با خواص و فایده‌های درختان آشنا است و از این رو برای توصیف نتیجه عمل زشت گناهکاران از مثال مملوسی چون درخت استفاده می‌کند. نویسنده مقاله ضمن توجه به این مسئله برای هرچه بهتر نشان دادن زشتی درخت زقوم آن را با درختان خوش‌منظر دنیوی و اخروی که از نعمت‌های پرفایده خداوند برای زندگی انسان‌ها به شمار می‌آید، اشاره کرده است.



یک. ترسیم مثبت

الف. درختان نشانه ربوبیت الهی: ﴿أَمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بَلٌ هُمْ قَوْمٌ يَعِدِلُونَ﴾ (نحل/۶۰)؛ (آیا بت‌هایی که معبود شما هستند، بهترند) یا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده؟! و برای شما از آسمان، آبی فرستاد که با آن، باغ‌هایی زیبا و سرورانگیز رویانندیم. شما هرگز قدرت نداشتید درختان آن را برویانید! آیا معبود دیگری با خداست؟! نه، بلکه آنها گروهی هستند که (از روی نادانی، مخلوقات را) هم طراز (پروردگارشان) قرار می‌دهند!﴾

ب. نعمت بهشتی: ﴿فِي جَنَّةٍ غَالِيَةٍ * قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ﴾ (حاقه/۲۳-۲۲)؛ «در بهشتی عالی که میوه‌هایش در دسترس است!﴾

ج. درخت پاک: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ (ابراهم/۲۴)؛ «آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده است که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟!﴾

دو. ترسیم منفی

در مقابل ترسیم فوق، قرآن از درختی با عنوان زقوم با الفاظی چون زشت‌ترین و دهشتناک‌ترین درخت یاد کرده است: ﴿... تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ...﴾ (صافات/۶۵-۶۴)؛ و طعمش تلخ، لمسش سوزاننده، بویش گریزاننده و ظاهرش سیاه است. هرکه از آن بخورد، نمی‌تواند مزه‌اش را تحمل کند و بنابراین آن را فرو می‌برد.

ج. استفاده از منابع لغوی و نقد نظرات آنان

از مهم‌ترین دانش‌های موسوم به ابزار تفسیر می‌توان به علوم ادبی و بلاغی شامل لغت، صرف، نحو، معانی، بیان و بدیع اشاره کرد (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۹۵۷: ۱۷۳/۲) ائمه علیهم‌السلام در مبحث تفسیر قرآن به ابزار علوم ادبی و بلاغی توجه کرده و حتی هنگام استخراج احکام از قرآن به این مسئله استناد کرده‌اند (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۳۰/۳). حتی برخی از فقها نیز در بحث از پیش‌نیازهای فهم قرآن که از منابع احکام شرعی است، به دانش‌هایی مانند صرف، نحو، علوم بلاغی و اصول فقه اشاره کرده‌اند (شهیدثانی، منیه‌المرید، ۱۴۰۹: ۳۷۷/۱)؛ صرف مراجعه به آرای لغت‌شناسان کافی نیست؛ بلکه باید بر اساس قرائن درونی و بیرونی معنای واژه را در قرآن استخراج کرد. ازاین‌رو یکی از نقاط قوت مقاله این است که سلوی العوا برای کشف معنای زقوم به نظرات دانشمندان حوزه لغت مراجعه کرده است. از آنجایی که نظرات آنان درباره زقوم مختلف است، ضمن نقد آنها، نظر راغب اصفهانی را درباره واژه‌شناسی زقوم می‌پذیرد.

د. بررسی تقابل دیدگاه ظاهرگرایان و عقل‌گرایان

هر مفسری در فهم آیات قرآن، خصوصاً آیاتی که ظاهراً با دلایل عقلی در تعارض است، بایستی ظاهر آیه را توجیه کند و آن را برخلاف ظاهرش حمل کند. پیش‌فرض‌های کلامی مفسر، چه در بین شیعه و چه در بین اهل سنت، سبب می‌شود که مفسر از میان قراین و ادله موجود در فهم آیه، دلیلی را انتخاب کند که مفهوم آیه را با دیدگاه‌های کلامی خود سازگار کند (نجارزادگان، نقش پیش‌فرض‌ها و مبانی کلامی در فهم و تفسیر آیات قرآن، ۱۳۹۱: ۳۳-۵۳).

در قرون اولیه با ورود ترجمه متون خارج از حوزه جغرافیایی اسلام، نحله‌های مختلف فکری به وجود آمد و هرکدام بر اساس مبانی فکری خود به شرح و توضیح متون اسلامی، از جمله قرآن و حدیث پرداختند. مکاتب کلامی یکی از مهمترین این نحله‌ها هستند و تأثیر عمیقی از خود به جای گذاشتند و رد آثار و افکار آنان را می‌توان در متون اسلامی به وضوح مشاهده کرد (رضایی اصفهانی، درس‌نامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، ۳۰/۱۳۸۲). افرادی که در زمینه مسائل اسلامی تحقیق می‌کنند باید به این مسئله واقف باشند. آیات مربوط به شجره زقوم از جمله آیاتی است که محل بحث دو گروه است؛ دانشمندانی که متمسک به ظاهر این قبیل آیات می‌شوند و گروه دیگر که در زمره عقل‌گرایان هستند.

از نقاط قوت مقاله این است که سلوی العوا در بخش پایانی مقاله که به نوعی نتیجه‌گیری به شمار می‌آید، ضمن آگاهی از این مسئله به نظرات دو گروه در قبال معنای زقوم، یعنی قاطبه مفسران اهل سنت و عقل‌گرایان اشاره می‌کند که دسته اول همان معنای ظاهری آیه را گرفته‌اند و دسته دوم آن را عینی‌سازی استعاری عذابی روحی و روانی می‌دانند که در انتظار کافران است.

دوم. نقاط ضعف مقاله

الف. استفاده مطلق از منابع اهل سنت و بی‌توجهی به منابع شیعه

ذهبی در میزان الاعتدال ذیل ترجمه ابان بن تغلب، ضمن توثیق او، در خصوص علت نقل روایات شیعه می‌گوید: اگر بخواهیم روایاتی که از شیعیان برای ما نقل روایت شده را از کتب اهل سنت برداریم: تمام آثار نبوی از بین می‌رود و این فساد بین است «فلو ردّ حدیث هؤلاء لذهب جملة من الآثار النبویة و هذه مفسدة بینة» (ذهبی، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ۱۹۶۳: ۵/۱). اعتراف فردی چون ذهبی که نگاه او در خصوص شیعیان و منابع آنان بر کسی پوشیده نیست، نشانگر این مهم است که بی‌گمان بخش بی‌بدیلی از آثار نبوی در اختیار شیعه قرار دارد و کنار نهادن آنها منجر به نابودی آثار نبوی خواهد شد.



از این رو یکی از نقاط ضعف جدی مقاله «زقوم» این است که نویسنده صرفاً به منابع اهل سنت مراجعه کرده و هیچ‌گونه اعتنایی نسبت به منابع شیعه نداشته است. این مسئله در حالی است که از جمله ویژگی‌های تحقیق خوب، مراجعه به آراء و منابع مختلف است و بی‌توجهی به آنها از اعتبار تحقیق می‌کاهد (قانعی و مرادی، بررسی مقاله علی بن ابی طالب EQ: ۱۹۱/۱۳۹۹). منابع استفاده‌شده سلوی العوا در مقاله «زقوم» به این شرح است: تفسیر طبری، مفاتیح‌الغیب فخر رازی، الکشاف زمخشری، مفردات راغب اصفهانی، لسان‌العرب ابن‌منظور و القاموس فیروزآبادی.

ب. منابع محدود مقاله

آیات متعددی در قرآن وجود دارد که محل مناقشه‌نحله‌های مختلف فکری است و هرکدام از آنان با استناد به یکی از ابزارهای تفسیر، معنای موردنظر خود را القاء می‌کنند؛ خصوصاً آیاتی که دچار ابهام ظاهری هستند و برای رفع این ابهام باید از تمامی ابزار تفسیر استفاده کرد و رهاکردن حتی یکی از این ابزار، معنای کشف‌شده را با چالش روبه‌رو خواهد کرد (رضایی اصفهانی و رضوی، نقد مقاله ابزارهایی برای مطالعه علم قرآن اندرو ریپین، ۱۳۹۶: ۱۷). بنابراین از ویژگی‌های تحقیق علمی استفاده از تمامی ابزار جهت روشن‌کردن مسئله است.

آیات مربوط به شجره‌زقوم از جمله آیاتی است که نیازمند استفاده از تمامی ابزار تفسیر است. نویسنده مقاله با اینکه صرفاً به منابع اهل سنت مراجعه کرده، باز منابع اندکی از متون اهل سنت را دیده است! در حالی که یکی از ویژگی‌های دایره‌المعارف‌ها جمع‌آوری تمامی اطلاعات مربوط به یک موضوع به صورت فشرده است (رضایی اصفهانی، بررسی دایره‌المعارف قرآن لیدن، ۱۳۸۵: ۶۵).

از سوی دیگر این نقیصه زمانی برجسته می‌شود که به سایر منابع فریقین مراجعه کنیم، خصوصاً تفاسیر با صبغه روایی اهل سنت همچون تفسیر ابن‌ابی‌حاتم رازی، الدر المنثور و... که با احادیثی مختلفی در خصوص مصادیق شجره ملعونه مواجه می‌شویم. البته می‌توان حدس زد که ذکر این قبیل روایات، پیش‌فرض‌های کلامی عده‌ای را با چالش جدی روبه‌رو خواهد کرد که در مطالب آینده به آن اشاره خواهد شد.

ج. بی‌توجهی به روایات تفسیری درباره شجره ملعونه

تعداد درخور توجهی از آیات قرآن دارای سب نزول یا شأن نزول خاص هستند و بی‌توجهی به این مسئله موجب کشف نکردن مقصود اصلی آیه می‌شود. کتاب‌های تفسیری اهل سنت خصوصاً تفاسیر روایی، مملو از روایاتی است که در خصوص شجره ملعونه آمده است و نویسنده مقاله کمترین اعتنایی

به آنها نداشته است، به همین دلیل می‌توان گفت که تحقیق او فاقد جامعیت بوده و دست‌کم نشان‌دهنده غلبه پیش‌فرض‌های کلامی نویسنده است. برای مثال طبری ذیل آیه می‌گوید: اهل تأویل در خصوص شجره ملعونه اختلاف کرده‌اند، عده‌ای می‌گویند: همان شجره زقوم است و در این خصوص نوزده روایت نقل می‌کند تا اثبات کند مراد قرآن از شجره ملعونه همان شجره زقوم است! (طبری، جامع البیان فی التفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۷۸/۱۵). ناگفته نماند طبری در خصوص رؤیای ذکرشده در آیه به‌صورت سربسته از گروهی با عنوان بنی‌فلان یاد می‌کند که از منبر پیامبر ﷺ بالا رفته و شبیه بوزینگان بوده‌اند (همان).

سؤالی که اینجا مطرح است، این است که آیا روایات اهل سنت در خصوص مصادیق شجره ملعونه منحصر در روایات جامع البیان است؟ پاسخ منفی است. برای روشن شدن مطلب به سراغ سایر تفاسیر روایی اهل سنت مراجعه می‌کنیم:

ابن‌ابی‌حاتم ذیل این آیه، شش روایت در خصوص مصادیق شجره ملعونه معرفی می‌کند:

- روایت اول، شجره ملعونه را همان شجره زقوم می‌داند؛

- روایت دوم و سوم ذیل ﴿...وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ...﴾ (اسراء/۶۰) به ماجرای

اشاره می‌کند که پیامبر ﷺ در خواب دید که بنی‌امیه از منبر او بالا می‌روند و مرتکب فساد می‌شوند؛

- دو روایت آخر: این مسئله (شجره زقوم مایه عذاب اهل آتش است) توسط ابوجهل مسخره می‌شود و بر این باور بود که زقوم همان غذایی است که با خرما درست می‌شود (ابن‌ابی‌حاتم رازی، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۲۳۳۵/۷).

فخر رازی به نقل از ابن‌عباس ضمن اینکه از بنی‌امیه (حکم‌بن‌ابی‌العاص) به‌عنوان یکی از مصادیق شجره ملعونه یاد می‌کند، به ماجرای رؤیای پیامبر ﷺ اشاره می‌کند که ایشان در خواب دید بنی‌امیه بر منبر ایشان رفته و دچار فساد می‌شوند (فخر رازی، مفاتیح‌الغیب، ۱۴۲۰: ۳۶۰/۲۰).

جمع‌بندی روایاتی که سیوطی ذیل آیه ﴿...وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ...﴾ (اسراء/۶۰) نقل کرده، بدین صورت است:

- معراج پیامبر ﷺ و حواشی آن (۶ روایت).

- پیامبر ﷺ در خواب دید که بنی‌فلان همانند بوزینگان بر منبر ایشان رفته و مرتکب فساد می‌شوند (۱ روایت).

- پیامبر ﷺ در خواب دید که فرزند حکم‌بن‌ابی‌العاص همانند بوزینه بر منبر ایشان رفته است و مراد از شجره ملعونه حکم و پسرش است (۱ روایت).



- پیامبر ﷺ در خواب دید که بنی‌امیه از منبر او بالا رفته‌اند و مرتکب فساد می‌شوند (۴ روایت).
- عایشه به مروان بن حکم می‌گوید: شنیدم که پیامبر ﷺ به پدر و جد تو گفت: شما شجره ملعونه در قرآن هستید (۱ روایت).

- پیامبر ﷺ در خواب می‌بیند که ایشان و اصحابش وارد مکه شده‌اند (۱ روایت).
- ابوجهل این مسئله که شجره زقوم مایه عذاب اهل آتش است را مورد تمسخر قرار می‌داد و بر این باور بود که زقوم همان غذایی است که با خرما درست می‌شود (۲ روایت).
- ابن عباس علت ملعون بودن شجره ملعونه را با این آیه تفسیر می‌کند: «طَلُّهَا كَأَنَّهُ رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ»؛ چون شیاطن ملعون هستند (۱ روایت) (سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۱۴۰۴: ۱۹۰/۴-۱۹۱).

آلوسی ذیل آیه احادیث متعددی نقل می‌کند که نشان می‌دهد پیامبر ﷺ در خواب دید بنی‌امیه ضمن بالارفتن از منبر ایشان، مرتکب فساد می‌شوند و سپس به حدیثی اشاره می‌کند که عایشه به مروان بن حکم می‌گوید: شنیدم که پی پیامبر ﷺ به پدر و جد تو فرمود: شما شجره ملعونه در قرآن هستید (روح المعانی فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۵: ۱۰۲/۸).

از سوی دیگر در منابع تفسیری شیعه روایات متعددی نقل شده است که نشان می‌دهد مراد از شجره ملعونه، بنی‌امیه هستند (بحرانی، البرهان: ۱۳۷۵/۵۴۱-۵۴۲؛ حویزی، نورالثقلین: ۱۷۹/۳-۱۸۱).

در خصوص روایات فوق می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

۱. بخش اول آیه یعنی رؤیا و شجره ملعونه با هم در ارتباط هستند و افراد حاضر در رؤیای ایشان همان درخت لعنت شده هستند.

۲. در روایات مذکور به دو شکل از بنی‌امیه یاد می‌کند: دسته اول، بنی‌امیه به صورت مطلق آمده و شامل همه آنان می‌شود. دسته دوم: روایاتی که این کلیت را مخدوش کرده و افراد خاصی از آنان را معرفی می‌کند. در صورت پذیرش کلیت این مسئله، بسیاری از باورهای کلامی که در فضل و برتری عده‌ای از خواص در صدر اسلام نقل شده، دچار تزلزل اساسی خواهد شد. از این رو تنها راه فرار، تقلیل این کلیت به برخی افراد خاص همچون مروان بن حکم یا پدرش و... است که در برخی از این روایات ذکر شده است.

د. فرضیه ترداف شجره ملعونه و شجره زقوم

سلوی العوا بر این باور است که غالب مفسران و مترجمان قرآن شجره ملعونه را همان شجره زقوم معرفی کرده‌اند. مفسران فریقین نظرات مختلفی در خصوص موضوعات مطرح‌شده در آیه ۶۰ سوره اسراء گفته‌اند و ضعف عمده مقاله بی‌توجهی جامع به این منابع است که در ادامه به تبیین آن می‌پردازیم

یک. شجره ملعونه در قرآن

در آیه «وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا» (اسراء/۶۰)؛ خداوند از ماجرای رؤیای پیامبر ﷺ پرده برمی‌دارد که مایه آزمایش مردم است و از سوی دیگر به «شجره ملعونه» اشاره می‌کند.

دو. تفسیر رؤیا

نظرات مفسران در این خصوص بدین شرح است:

الف. برخی از مفسران گفته‌اند که رؤیا در این آیه به معنای خواب نیست؛ بلکه مشاهده واقعی با چشم است و آن را اشاره به داستان معراج که در آغاز همین سوره اسراء آمده دانسته‌اند (طبری، جامع البيان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۷۶/۱۵؛ فخررازی، مفاتیح‌الغیب، ۱۴۲۰: ۳۶۰/۲۰؛ سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، ۱۴۰۴، ۱۹۱/۴). ایراد مهم تفسیر فوق این است که رؤیا معمولاً به معنای خواب است نه مشاهده در بیداری (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۷۱/۱۲). البته ممکن است آنها در جواب این نقد بگویند، کلمه مذکور مانند رؤیت مصدر است و معنای دیدن را می‌دهد و اختصاص به خواب ندارد، یا اینکه رؤیا هر چیزی است که انسان آن را در شب ببیند، چه در بیداری و چه در خواب (فخررازی، مفاتیح‌الغیب، ۱۴۲۰: ۳۶۰/۲۰)؛ اما باید گفت «چنین معنایی در لغت ثابت نشده است و در سخنان نظم و نثر ادبای عرب شاهدی بر آن دیده نشده است و جز ادعای محض دلیل دیگری ندارد.» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۹۱/۱۳).

ب. برخی دیگر گفته‌اند، رؤیا اشاره به خوابی است که پیامبر ﷺ در سال «حدیبیه» (سال ششم هجرت) در مدینه دید و به مردم بشارت داد که شما در آینده نزدیکی بر قریش پیروز خواهید شد و در نهایت آرامش وارد مسجدالحرام می‌شوید، ولی می‌دانیم این خواب در آن سال تحقق نیافت؛ بلکه دو سال بعد یعنی در سال فتح مکه صورت پذیرفت، ولی همین مقدار تأخیر سبب شد که مؤمنان در بوته آزمایش قرار گیرند «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ» (فخر رازی، مفاتیح‌الغیب، ۱۴۲۰: ۳۶۰/۲۰).



ایرادی که به این تفسیر متوجه می‌شود آن است که رؤیا در آیه مدنظر رؤیایی است که قبل از هجرت واقع شده و رؤیایی که ایشان می‌گویند بعد از هجرت و قبل از صلح حدیبیه اتفاق افتاده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۳/۱۹۷).

ج. مقصود این است که پیامبر در خواب دید، بوزینگانی بر منبرش بالا می‌روند و پائین می‌آیند. او از این خواب دلگیر شد. جمعی از مفسران شیعه و اهل سنت روایاتی نقل کرده‌اند که نشان می‌دهد مراد از بوزینگان، بنی‌امیه هستند که در مطالب قبل به آن اشاره شد (سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، ۱۴۰۴، ۱۹۱/۴؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۱۶۴/۱۴).

روایاتی که در بخش نقاط ضعف مقاله با عنوان «بی‌توجهی به روایات تفسیری درباره شجره ملعونه» ذکر شد، ناظر به همین معناست که از تکرار آنها خوداری می‌کنیم.

سه. تفسیر شجره ملعونه

برخی مفسران اهل سنت همچون طبری و بغوی، مصداق شجره ملعونه را شجره زقوم می‌دانند (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۷۸/۱۵؛ بغوی، معالم التنزیل، ۱۴۲۰: ۱۴۱/۳). برخی دیگر در کنار سایر مصداق از جمله بنی‌امیه گفته‌اند که شجره ملعونه می‌تواند شجره زقوم باشد (سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، ۱۴۰۴: ۱۹۰/۴-۱۹۱؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۵: ۱۰۰/۸). فخر رازی می‌گوید: اگر سؤال شود که این شجره در قرآن به‌عنوان شجره ملعونه نیامده است؟ در پاسخ می‌گوئیم: ممکن است منظور لعن خورندگان آن باشد، به علاوه لعن چیزی جز بعد از رحمت خدا نیست و بدیهی است چنین درختی، از رحمت پروردگار بسیار دور است (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۳۶۰/۲۰).

چهار. نقد و بررسی مترادف دانستن شجره ملعونه و شجره زقوم

مترادف دانستن شجره ملعونه و شجره زقوم به دلایل ذیل مردود است:

اولاً: به‌طور قطع ما درختی نداریم که در قرآن لعن شده باشد، حتی درخت زقوم با ویژگی‌های آن که غذای اهل جهنم و عذابی است برای ظالمان بوده و در عمق جهنم می‌روید، ولی لعن نشده است. لعن‌شدگان در قرآن عبارتند از: کافران (بقره/۸۹، ۱۶۱؛ آل‌عمران/۸۶-۸۷؛ توبه/۶۸؛ احزاب/۶۴ و ۶۸)؛ دروغگویان (آل‌عمران/۶۱؛ اعراف/۳۷-۳۸، نور/۷)؛ ظالمان (اعراف/۴۴؛ هود/۱۸؛ غافر/۵۲)؛ عاد (هود/۶۰)؛ فرعون (هود/۹۹؛ قصص/۴۲)؛ ناقضان عهد (رعد/۲۵)؛ ابلیس (حجر/۳۵)؛ شیطان (نساء/۱۱۸؛ ص/۷۸)؛ کتمان سخنان خداوند (بقره/۱۵۹)؛ منافقان (توبه/۶۸؛ احزاب/۶۱؛ محمد/۲۳)؛

فتح/۶؛ اهل کتاب (نساء/۵۲)؛ یهود (بقره/۸۸؛ نساء/۴۶؛ مائده/۱۳ و ۶۰ و ۶۴)؛ اصحاب سبت (نساء/۴۷)؛ آزاردهندگان پیامبر ﷺ (احزاب/۵۷)؛ قتل عمد مؤمن (نساء/۹۳)؛ مرگ همراه با کفر (بقره/۱۶۱)؛ تهمت زندگان به زنان مؤمنه (نور/۲۳)؛ شجره ملعونه (اسراء/۶۰)؛ مشرک (فتح/۶)؛ عنکبوت (۲۵)؛ کافران بنی اسرائیل (مائده/۸). نکته درخور توجه در این مسئله این است که لعنت شدگان منتسب به افعال رذیله‌ای هستند که لعنت خداوند شامل حال آنان شده است؛ یعنی افرادی که دارای قوه عقل و اراده هستند و با استفاده از این استعداد از دستورات خداوند سرپیچی کرده‌اند. در بین لعنت شدگان موجود فاقد شعور همچون درخت مشاهده نمی‌کنیم.

ثانیاً: اگر صرف اینکه در جهنم سبز می‌شود و مایه عذاب ستمگران است، باعث لعن آن باشد، باید خود جهنم و عذاب‌های آن همه لعن شوند، و نیز باید ملائکه عذاب که در حقشان فرموده: «وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا» ملعون باشند، با اینکه خدای تعالی ایشان را ستوده و ثنا گفته، آن هم ثنائی که فرموده: «عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» و نیز یکی از وسائل عذاب و شکنجه مردم کافر، دست مؤمنین است که فرموده: «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ» معلوم است که دست مؤمنین ملعون نیست (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۳/۱۸۸).

ثالثاً: اگر بگویند (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۳۶۱/۲۰)، مراد قرآن از لعنت درخت، لعنت کافرانی است که آن را می‌خورند، این حرف هرچند در محاورات عامه نمونه‌اش دیده می‌شود که وقتی می‌خواهند کسی را ناسزا بگویند، زن او را به بدی یاد می‌کنند، دختر او را می‌گویند، پدر و مادر و قوم و قبیله‌اش را دشنام می‌دهند تا در دشنام خود او مبالغه کرده باشند، گاهی هم از این باب آن آسمانی که بر او سایه افکنده، و آن سرزمینی که او را در خود جای داده و آن خانه‌ای که او را در خود گنجانیده، و آن مردمی که با او معاشرت می‌کنند همه را به باد فحش می‌گیرند، آری چنین چیزی در محاورات مردم بی‌سر و بی‌پا هست، ولی مگر هرچه در محاورات دیده شد، باید در قرآن کریم هم راه داده و آیات آن را بر طبق آن محاورات، معنا کرد؟ درحالی که ادب قرآن چنین اجازه‌ای را به ما نمی‌دهد که به او نسبت لعنت به درختی دهیم که مردم بد از میوه‌اش خورده‌اند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۹۵/۱۳). بنابراین سخن فخر رازی خارج کردن آیه از دلالت ظاهری آن بدون هیچ‌گونه دلیلی است.

رابعاً: استناد اصلی مفسران اهل سنت به اینکه شجره ملعونه همان درخت زقوم است، سخن عده‌ای از صحابه و تابعین همانند ابن عباس، عکرمه، سعید بن جبیر و... است (طبری، جامع البیان فی التفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۷۸/۱۵)؛ که برای ما حجت نیست و نهایتاً همانند نظرات سایر مفسران قابل تحقیق است.



هـ. یهودیان مصداق شجره ملعونه

هرچند که نویسنده مقاله زقوم در دایره المعارف قرآن، یهودیان را به عنوان یکی از مصداق شجره ملعونه ذکر نکرده است؛ اما از آنجاکه برخی از مفسران اهل سنت یکی از مصداق شجره ملعونه در قرآن را یهویمان معرفی کرده اند (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۳۶۱/۲۰)؛ و از سوی دیگر جهت تعیین مصداق حقیقی شجره ملعونه مدنظر قرآن از طریق نفی گروه های خارجی، به بررسی این مسئله می پردازیم. یهودیان به دلایل ذیل نمی توانند مصداق شجره ملعونه باشند:

اولاً: در آیه ﴿... الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾ (مائده/۳)؛ قرآن به صراحت ایمن بودن و استقلال اسلام از شر کافران را اعلام می دارد. «الَّذِينَ كَفَرُوا» انحصاری به مشرکین عرب ندارد؛ بلکه به طور کلی کفار دنیا از دین مسلمانان مأیوس شدند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۲۷۴/۵). به بیان دیگر یعنی خداوند خوف از کفار را از دل مردم مسلمان برمی دارد و کفار را از باطل شدن اسلام، دچار یأس می سازد. به آنها می فهماند که وعده حق فرارسیده و دین خدا غالب گشته است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۲۰۱/۶) طبری می گوید: یعنی خداوند خبر داده که کافران از دین مؤمنان دچار یأس و ناامیدی شدند (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۵۱/۶) خود فخر رازی با اینکه یکی از مصداق شجره ملعونه را یهودیان می داند ذیل آیه ﴿الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ می گوید: خداوند به مسلمانان دولت قاهره و قدرت عظیمی عنایت کرده است که شما را پیروز و آنان (الذین کفروا) را ذلیل شما قرار داده است! (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲۸۶/۱۱).

ثانیاً: این مطلب مطابق با اخباری است که از پیامبر ﷺ نقل شده است که می فرماید: اسلام از سوی دشمنان خارجی دچار مشکل نخواهد شد؛ بلکه از درون دچار مشکل می شود (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۳۳۴/۴) با این اوصاف نمی توان مصداق «شجره ملعونه» را یهودیان دانست.

۵. نظریه مختار در خصوص مصداق حقیقی شجره ملعونه

در مطالب قبلی مشخص شد که:

- الف. تفسیر صحیح رؤیا که متناسب با واقعیات تاریخی، لغت و... باشد، ماجرای خواب دیدن پیامبر ﷺ است که در خواب دید بوزینگانی از منبر او بالا می روند و فساد می کنند.
- ب. خداوند این مسئله را مایه آزمایش مؤمنان معرفی کرده است که مشخص شد نمی توان شجره زقوم و یهودیان را مایه فتنه مسلمانان دانست.

ج. درختی در قرآن نداریم که لعن قرآن شامل آن شود.

این مقدمات ما را به نگاهی جدید به آیه شجره ملعونه معطوف می‌دارد. بدین معنا که اولاً: «از وحدت سیاق برمی‌آید که داستان رؤیا و شجره ملعونه دو امر مهمی هستند که یا به‌زودی در بشریت پیدا می‌شود یا آنکه در ایام نزول آیات پیدا شده، مردم را دچار فتنه نموده، فساد را در آنان شایع ساخته است. خداوند شجره نامبرده را لعن کرده است و این نشان می‌دهد که قرآن مشتمل بر لعن است، همانگونه که ابلیس و یهود و مشرکان و منافقان و مردمی دیگر به عناوینی دیگر لعنت شده‌اند. شجره همانطور که به درخت‌های ساقه‌دار اطلاق می‌شود، همچنین به ریشه‌هایی که از آنها شاخه‌های فرعی جوانه می‌زند، اطلاق می‌گردد؛ مانند ریشه‌های مذهبی و اعتقادی. در لسان العرب می‌گوید: وقتی می‌گویند فلانی از شجره مبارکه‌ای است، معنایش این است که ریشه دودمان مبارکی دارد. از گفتار لسان العرب هم که بگذریم در لسان رسول خدا ﷺ هم بسیار دیده می‌شود که «من و علی از یک شجره‌ایم». پس شجره ملعونه یکی از همان اقوام ملعونه در کلام خدا هستند که صفات شجره را دارند؛ یعنی از یک ریشه منشعب شده و نشوونما نموده و شاخه‌هایی شده‌اند و مانند درخت، بقایایی یافته و میوه‌ای داده‌اند، دودمانی هستند که امت اسلام به‌وسیله آن آزمایش شده و می‌شوند. و این شجره ملعونه بوته امتحانی برای مردم است. این اوصاف با منافقان سازگار است؛ همان‌هایی که در ظاهر مسلمان بودند و تظاهر به اسلام می‌کردند و در میان مسلمانان یا از راه فامیلی و یا از راه پیروزی عقیده و مسلک بقا و دوام یافته و در اعصار بعدی هم فتنه مسلمانان شدند و با روایاتی که ناظر به بنی‌امیه است، مطابقت دارد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۳/۱۸۸).

ثانیاً: عده‌ای از مفسران اهل سنت یکی از مصادیق شجره ملعونه را بنی‌امیه می‌دانند (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲۰/۳۶۰؛ سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، ۱۴۰۴: ۴/۱۹۱).

ثالثاً: آنچه از مجموع آیات و روایات وارده در خصوص شجره زقوم و شجره ملعونه اقتباس می‌شود این است که شجره زقوم در قرآن ناظر به یکی از نقمات جهنم است و روایات وارده در متون معتبر فریقین نشان می‌دهد که شجره ملعونه ناظر به بنی‌امیه است. مصیبت‌هایی که آنان پس از پیامبر ﷺ بر سر جامعه اسلامی وارد ساختند، مؤید این معنا است. منابع تاریخی مملو از اخباری است که حاکمان بنی‌امیه ضمن محو آثار نبوی، جامعه را به سمت رسم‌ورسوم جاهلی سوق داده، اگر زحمات طاقت‌فرسای ائمه علیهم‌السلام نبود، اثری از سنت نبوی بجای نمی‌ماند (جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم‌السلام، ۱۳۸۱: ۲۲۱؛ عسکری، نقش ائمه در احیای دین، ۱۳۹۷: ۲/۴۵۹).



نتیجه

متون اسلامی یکی از موضوعات مهم و مورد علاقه وافر شرق‌شناسان است. ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف و تألیف دایره‌المعارف‌ها، نمونه‌هایی از تلاش‌های آنان در این راستا است. هرچند در گذشته منظور از خاورشناسان افرادی بود که خارج از حوزه جغرافیایی اسلام به مطالعه در منابع اسلامی می‌پرداختند؛ اما هم‌اکنون عده زیادی از مسلمانان همراه با دانشمندان سایر ملت‌ها در تألیف دایره‌المعارف‌ها همکاری دارند. از نتایج این همکاری‌ها می‌توان به تألیف دایره‌المعارف قرآن لیدن با همکاری تعداد زیادی از محققان مسیحی و یهودی و نیز برخی از مسلمانان به سروپرستاری خانم جین دمن مک اولیف، استاد تاریخ و ادبیات عرب دانشگاه جرج واشنگتن، سامان یافته است، اشاره کرد.

مقاله زقوم در دایره‌المعارف لیدن توسط سلوی العوا نگاشته شده است. نویسنده، مقاله را با تکیه بر تعداد خاصی از منابع اهل سنت و بی‌توجهی به سایر منابع، خصوصاً منابع شیعه نگاشته است. او شجره زقوم را همان معنای عرفی آن یعنی درختی با خصوصیات خاص خود دانسته و مدعی است که غالب مفسران و مترجمان قرآن شجره ملعونه را همان شجره زقوم می‌دانند. فقدان جامع‌نگری و مراجعه نکردن به سایر منابع موجب شده است تا او تحلیل ناقصی از شجره ملعونه ارائه دهد؛ زیرا مفسران فریقین در خصوص شجره ملعونه علاوه بر شجره زقوم، به مصادیق مهم دیگری چون بنی‌امیه اشاره کرده‌اند که با واقعیات تاریخی سازگاری بیشتری دارد.

با این حال در خصوص نقاط قوت مقاله به این موارد می‌توان اشاره کرد. بررسی تمامی موارد کاربرد زقوم در قرآن، ترسیم زیبای درختان پاک و بهشتی ضمن مقابله‌سازی با درخت زقوم، استفاده از منابع لغوی و نقد نظرات آنان، بررسی تقابل دیدگاه ظاهرگرایان و عقل‌گرایان. در خصوص نقاط ضعف مقاله موارد زیر مطرح شده است: استفاده مطلق از منابع اهل سنت و بی‌توجهی به منابع شیعه، منابع محدود مقاله، بی‌توجهی به روایات تفسیری پیرامون شجره ملعونه، ترداف شجره ملعونه و شجره زقوم. نقص عمده مقاله خلط ارتباط شجره ملعونه و شجره زقوم و مراجعه نکردن به سایر منابع و خصوصاً بی‌توجهی به روایاتی است که نشان می‌دهد شجره ملعونه نمادی خاص برای گروهی خاص (بنی‌امیه) است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، انتشارات عابدزاده، تهران: ۱۳۹۲.
۲. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، مکتبه نزار مصطفی الباز، ریاض: چاپ سوم، ۱۴۱۹.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تحقیق، علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۴. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۵.
۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، دارالتفسیر، قم: ۱۳۷۵.
۶. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل، دار إحياء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰.
۷. حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، اسماعیلیان، قم: ۱۴۱۵.
۸. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، انصاریان، قم: چاپ ششم، ۱۳۸۱.
۹. عسکری، سیدمرتضی، نقش ائمه علیهم السلام در احیای دین، مؤسسه علمی و فرهنگی علامه عسکری، قم: ۱۳۹۷.
۱۰. ذهبی، شمس الدین، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، علی محمد البجاوی، دار المعرفة للطباعة والنشر، بیروت: ۱۴۲۲.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم: ۱۳۸۲ ه.ش.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «بررسی دایرة المعارف قرآن لایدن»، دو فصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره اول، زمستان ۱۳۸۵.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ رضوی، سیدکمال، «نقد مقاله ابزارهایی برای مطالعه علم قرآن اندرو ریپین»، دو فصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال دوازدهم، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
۱۴. زرکشی، أبو عبدالله بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن؛ محمد أبو الفضل إبراهیم، دار إحياء الكتب العربية عيسى البابي الحلبي و شركائه، بیروت: ۱۳۷۶.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، قم: ۱۴۰۴.



۱۶. شهیدثانی، زین الدین بن علی، منیة المرید، تحقیق رضا مختاری، مکتب الإعلام الإسلامی، قم: ۱۴۰۹.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم: چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان، مترجم: حسین نوری همدانی، انتشارات فراهانی، تهران: بی تا.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة، بیروت: ۱۴۱۲.
۲۰. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۲۰.
۲۱. قانع، علی؛ مرادی، فاطمه، بررسی مقاله علی بن ابی طالب (علیه السلام)، EQ، قرآن پژوهی خاورشناسان، سال پانزدهم، شماره ۲۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارالکتب الإسلامیة، تهران: چاپ چهارم، ۱۴۰۷.
۲۳. مک اولیف، جین دمن، دایرة المعارف قرآن، انتشارات بریل، لیدن: ۲۰۰۱م.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب الإسلامیة، تهران: چاپ دهم، ۱۳۷۱.
۲۵. مؤدب، سیدرضا؛ موسوی مقدم، سیدمحمد، نقد دایرة المعارف قرآن لیدن بر اساس آراء و مبانی شیعه، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه شناسی، سال ششم، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۸۷.
۲۶. نجازادگان، فتح الله، نقش پیش فرض ها و مبانی کلامی در فهم و تفسیر آیات قرآن، اندیشه نوین دینی، سال سوم، شماره نهم، تابستان ۱۳۸۶.

Resources

1. *Quran Kareem (The Holy Quran)*, Translated by Naser Makarem Shirazi (*The Noble Quran*), Abedzadeh Publications, Tehran: 1392 SH (2013 CE).
2. Alusi, Mahmoud Bin Abdullah, *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran (The Spirit of the Meanings in the Exegesis of the Quran)*, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1415 (1994 CE).
3. Askari, Sayyid Morteza, *Naghs-e A'immeh-ye Alayhomsalam dar Ehyaye Din (The Role of the Imams in Reviving the Religion)*, Scientific and Cultural Institute of Allameh Askari, Qom: 1397 SH (2018 CE).
4. Baghawi, Hossein Bin Masoud, *Ma'alim al-Tanzil (Signs of Revelation)*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1420 AH (1999 CE).
5. Baharani, Hashem Bin Suleiman, *Al-Burhan fi Tafsir al-Quran (The Proof in Interpreting the Quran)*, Dar al-Tafsir, Qom: 1375 SH (1996 CE).
6. Fakhr Razi, Mohammad Bin Umar, *Tafsir al-Kabir (The Great Exegesis)*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 3rd Edition, 1420 AH (1999 CE).
7. Howaizi, Abdul Ali Bin Joma'a, *Nur al-Thaqalayn (The Light of the Two Heavy Things)*, Ismailiyan, Qom: 1415 AH (1994 CE).
8. Ibn Abi Hatim Razi, Abdul Rahman Bin Mohammad, *Tafsir al-Quran al-Azim (Exegesis of the Mighty Quran)*, Maktabah Nizar Mustafa al-Baz, Riyadh: 3rd Edition, 1419 AH (1998 CE).
9. Ibn Babawayh, Mohammad Bin Ali, *Man La Yahduruhu al-Faqih (He Who Does Not Have a Jurisprudent with Him)*, Edited by Ali Akbar Ghaffari, Islamic Publications Office Affiliated with the Organization of Seminary Teachers of Qom: 2nd Edition, 1413 AH (1992 CE).
10. Jafariyan, Rasoul, *Hayat Fikri va Siyasi Imamane Shia (The Intellectual and Political Life of Shia Imams)*, Ansarian, Qom: 6th Edition, 1381 SH (2002 CE).
11. Kulayni, Mohammad Bin Ya'qub, *Al-Kafi (The Sufficient)*, Edited by Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhundi, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 4th Edition, 1407 AH (1987 CE).
12. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir Nemouneh (The Exemplary Interpretation)*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 10th Edition, 1371 SH (1992 CE).
13. McAuliffe, Jane Dammen, *Encyclopaedia of the Quran*, Brill Publications, Leiden: 2001 CE.
14. Moaddab, Seyyed Reza; Musavi Moqaddam, Seyyed Mohammad, *Naqde Daireh-ye Ma'arif-e Quran Laiden bar Asas Ara' va Mabani-e Shi'a (Critique of the Quran Lexicon in Leiden Based on the Opinions and*



- Foundations of Shi'ism*), Research Journal on Shia Studies, 6th Year, Issue 23, Fall 1387 (2008 CE).
15. Najazadegan, Fathullah, *Naqshe Pishfarzha va Mabani Kalami dar Fehm va Tafsir Ayat-e Quran (The Role of Theological Presuppositions and Foundations in Understanding and Interpreting Quranic Verses)*, Andisheh-e Novin-e Dini, Year 3, Issue 9, Summer 1386 (2007 CE).
 16. Qaniei, Ali; Moradi, Fatemeh, *Barresi Maqaleh Ali Bin Abi Talib (AS) EQ (Review of the Article on Ali Bin Abi Talib EQ)*, Journal on Qrietalists' Quranic Studies, Year 15, Issue 29, Fall and Winter 1399 SH (2020 CE).
 17. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, *Barresi Dayereh-ye Ma'arif-e Quran Laiden (Review of the Quran Lexicon in Leiden)*, Bi-Annual Journal on Qrietalists' Quranic Studies, 1st Issue, Winter 1385 SH (2006 CE).
 18. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, *Darsname-ye Raveshha va Gara'ihaye Tafsiri-ye Quran (Syllabus Book on Quranic Methodologies and Approaches)*, International Center for Islamic Studeis, Qom: 1382 SH (2003 CE).
 19. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali; Razavi, Seyyed Kamal, *Naqd Maqaleh-e Abzarha-ye Baraye Motale'e Elm-e Quran Andrew Rippin (Critique of Tools for the Study of Quranic Science by Andrew Rippin)*, Bi-Annual Journal on Qrietalists' Quranic Studies, Year 12, Issue 22, Spring and Summer 1396 SH (2017 CE).
 20. Shahid Thani, Zayn al-Din Bin Ali, *Maniyat al-Murid (The Desire of the Seeker)*, Edited by Reza Mokhtari, Maktab al-I'lami al-Islami, Qom: 1409 AH (1988 CE).
 21. Suyuti, Abdul Rahman Bin Abi Bakr, *Al-Durr al-Manthur fi Tafsir bil-Ma'thur (The Scattered Pearls in Tafsir by Tradition)*, Kitabkhane Amumi Hazrat Ayatollah Marashi Najafi (RA), Qom: 1404 AH (1983 CE).
 22. Tabari, Mohammad Bin Jarir, *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Comprehensive Exposition on the Exegesis of the Quran)*, Dar al-Ma'arif, Beirut: 1412 AH (1991 CE).
 23. Tabatabai, Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quranic Interpretation)*, Jami'ah Mudarrisin Hawzah Ilmiyyah, Islamic Publications Office, Qom: 5th Edition, 1374 SH (1995 CE).
 24. Tabrisi, Fadl Bin Hasan, *Translation of Majma al-Bayan by Hossein Nouri Hamadani*, Farahani Publications, Tehran: n.d.
 25. Zarkashi, Abu Abdullah Badr al-Din, *Al-Burhan fi Ulum al-Quran (The Proof in Quranic Sciences)*, Mohammad Abu al-Fadl Ibrahim, Dar Ihyal-Kutub al-Arabiyyah, Beirut: 1376 SH (1956 CE).

26. Zhahabi, Shams al-Din, *Mizan al-I'tidal fi Naqd al-Rijal (The Balance in Criticizing Narrators)*, Ali Mohammad al-Bajawi, Dar al-Ma'arifah lil-Tiba'ah wa al-Nashr, Beirut: 1422 AH (2001 CE).